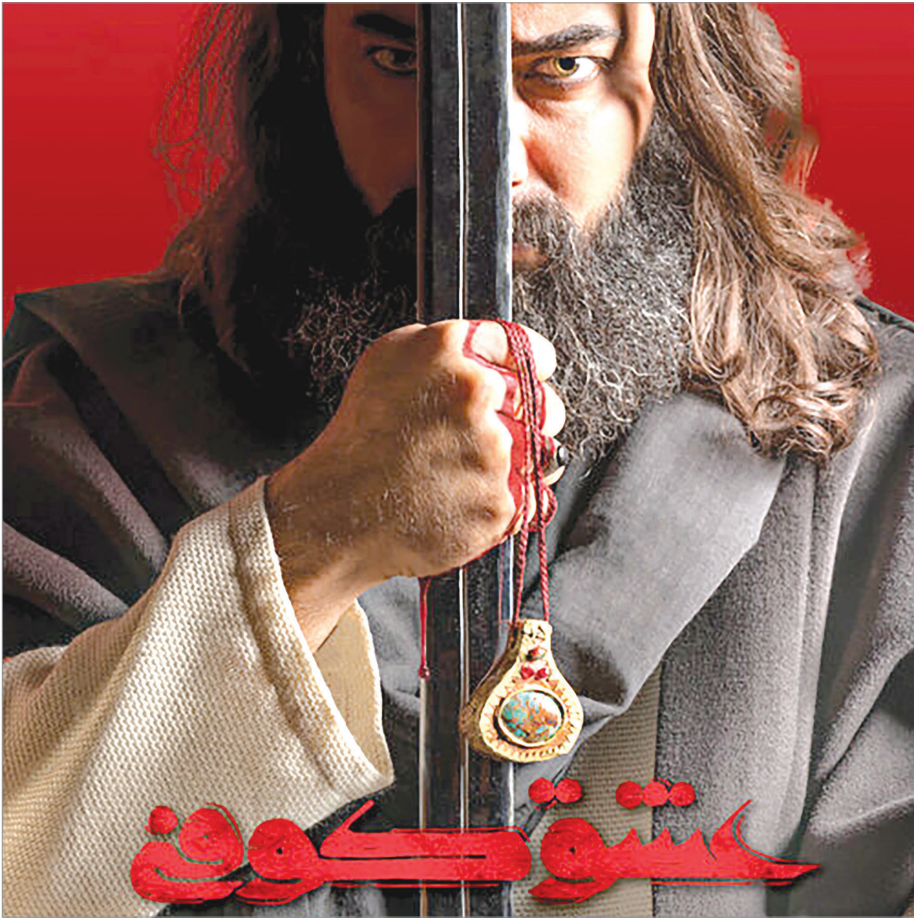


مجموعه‌های تلویزیونی در ماه محرم



گفت: «همه‌گیری» ادامه فصل قبل است که با اضافه‌شدن برخی نقش‌ها (کاراکترها) دنبال می‌شود. ضبط این سریال تمام شده است و لوکیشن اصلی در کویر کاشان بود و دلیل این‌انتخاب هم قصه‌ای بود که در سریال

در آستانه ماه محرم جزئیات پخش سریال‌های «عشق کوفی»، «همه‌گیری» و «مرضیه» اعلام شد. به گزارش فارس، در آستانه فرارسیدن ماه محرم جزئیات ساعات پخش تلویزیونی ۳ مجموعه نمایشی اعلام شد. سریال‌های جدید «عشق کوفی» و «همه‌گیری» از شبکه سه سیما و «مرضیه» از شبکه نسیم پخش خواهد شد. جزئیات پخش این آثار به شرح زیر است:

عشق کوفی

«عشق کوفی» به نویسندگی‌فازیه یارمحمدی و یزدان محمدکاظمی قرار است روایتگر یک عشق در سال ۶۱ هجری قمری باشد که اتفاقات کوفه و کربلا آن را دستخوش تغییراتی می‌کند.

لوکیشن‌های اصلی سریال «عشق کوفی» در شهرک سینمایی و تلویزیونی ایران (زنه‌یاد علی حاتمی) تصویربرداری و حدود ۷۵ درصد کار در دکورهای مختلف آن جا انجام شده است. بخشی از لوکیشن‌های این سریال در شهرک سینمایی نور و حدود ۱۵ درصد کار هم در شهر آبادان فیلمبرداری شده است.

لعیا زنگنه، نادر فلاح، سعید شریف، شبنم قربانی، حسین سلیمیانی، نادر سلیمیانی، مژگان اخلاقی، جمال الدین بیات، مهسا مهجور، مریم کاویانی، محمد اشکان فر، سوگل طهامسی، مهسیما کباری، عمار تفتی، سید جواد هاشمی، ثریا قاسمی، مضمومه زینتی صافی و احسان محسنی کیاسری بازیگران اصلی این سریال هستند.

سریال «عشق کوفی»، به کارگردانی حسن آخوندپور و تهیه‌کنندگی سعید سعدی از ۲۹ تیرماه همزمان با ایام محرم در ۱۵ قسمت به صورت هفتگی، پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه سه پخش می‌شود.

همه‌گیری

سریال «همه‌گیری» که در فصل نخست خود با نام «موج اول» از تلویزیون پخش شد درباره نحوه ورود و شیوع کرونا در روزهای اول ورود آن به کشورمان است. این سریال حالا به ایستگاه دوم رسیده و قرار است فصل دوم سعید کماتی تهیه‌کننده «همه‌گیری» درباره این سریال

نمایشگاه «روایت قتل ناصرالدین شاه»، با رونمایی از کتیبه‌های مطلای مقبره شاه قاجار برای نخستین‌بار، در کاخ گلستان افتتاح شد. کتیبه‌های مطلای مقبره ناصرالدین‌شاه از موزه و گنجینه آستان عبدالعظیم حسنی برای نمایش در کاخ گلستان به امانت گرفته شده که از ۲۵ تیرماه تا نهم مردادماه در عمارت چادرخانه کاخ گلستان، که زمانی محل حکمرانی ناصرالدین‌شاه بود، به نمایش گذاشته شده است.

علاوه‌بر این کتیبه‌ها، آخرین دفترچه خاطرات ناصرالدین‌شاه، دستمال خونی که هنگام قتل او استفاده شد، مندی‌ای که پس از ترور و تا زمان مرگ، روی آن نشسته بود و کتاب‌های قرآن که در مقبره او در حرم عبدالعظیم وجود داشت، به نمایش گذاشته شده که مجموعه این آثار در کنار هم قتل ناصرالدین‌شاه را روایت می‌کند.

علیرضا بهزادی مدیر اجرایی نمایشگاه «روایت قتل ناصرالدین‌شاه» - در آیین افتتاحیه آن گفت: سال گذشته متوجه شدیم تعدادی از تابلوهای موجود در موزه آستان شاه عبدالعظیم حسنی روایتی را از آخرین روزهای مرگ ناصرالدین شاه در اختیار دارد که در طبقه دوم آن تعدادی از آن‌ها نمایش داده می‌شود و مابقی داخل مخزن نگهداری شده‌اند. این کتیبه‌ها با همکاری موزه آستان عبدالعظیم تحت تدابیر امنیتی به کاخ گلستان منتقل شد.

به گفته این پژوهشگر، کتیبه‌های مطلای ناصرالدین شاه سرودهٔ «شمس المعالی» روی ورق مس و طلاندوبه بوده و در اطراف مقبره نصب شده بودند که در سال ۱۳۱۷ قمری، چهار سال بعد از خاکسپاری ناصرالدین شاه این کتیبه‌ها در محل مقبره او نصب شدند. البته جسد ناصرالدین شاه یک سال بعد از قتل و تا آماده شدن مقبره در تکیه دولت نگه داشته شده بود.

بهزادی افزود: در کنار این کتیبه‌ها، آخرین دفترچه خاطرات ناصرالدین‌شاه که تا تاریخ ۱۶ ذالقعده نوشته شده، به همراه دستمال خونی که در محل زخم فرو برده شده بود و صندلی‌ای که ناصرالدین شاه را هنگام قتل روی آن نشاندد، در عمارت چادر خانه کاخ گلستان به نمایش گذاشته شده است. او همچنین گفت: سبک نگارش این کتیبه‌ها شبیه کتیبه‌های صفوی است. کل متن را استخراج کردیم و نهم مرداد ۱۴۰۲ در نشست علمی آن را ارائه می‌کنیم.

برپایی موکب «زنان عاشورایی» در میدان امام حسین (ع)

موکب «زنان عاشورایی» با فعالیت‌های ویژه فرهنگی به مدت پنج شب در نمایشگاه عطر سبب در میدان امام حسین (ع) برپا می‌شود.

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ و هنر، در آستانه ایام سوگواری محرم الحرام، فعالیت‌های فرهنگی موکب «زنان عاشورایی» ویژه بیست‌وکمین رویداد فرهنگی «عطر سبب» صورت می‌گیرد.
است، عکس یادگاری رایگان بگیرند.
نمایشگاه «عطرسبب» در آستانه ماه محرم به همت سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در میدان امامحسین(ع) آغاز به کار کرده و از ۲۴ الی ۲۸ تیرماه جاری میزبان شهروندان است.

«عاشورات» روایتی مختصر و بی‌حاشیه از کربلای حسینی

«عاشورات» نوشته امیرخداوردی از سوی انتشارات کتابستان معرفت منتشر شد. به گزارش تسنیم، در آستانه ماه محرم انتشارات کتابستان، کتاب عاشورات به قلم امیر خداوردی را منتشر و روانه بازار نشر کرد.

امیر خداوردی پیش از یک دهه حضور فعال در عرصه رمان‌نویسی در کتاب «عاشورات» به داستان حسین بن‌علی علیه السلام پرداخته است و روایتی مختصر و بی‌حاشیه در سبک و زبانی ادبی و خوش‌خوان پیش روی مخاطب گذاشته است. نثر و زبان عاشورات در عین روانی و سادگی وام‌دار تفسیر طبری، روح‌الچنان ابوالفتوح رازی، کشف‌الاسرار میدی، و فیض‌الدموع نوشته ملا محمدابراهیم نواب تهرانی است.

روایت مصور از قتل ناصرالدین‌شاه قاجار

علیرضا اودران رییس موزه آستان عبدالعظیم حسنی - هم این نمایشگاه را یک اتفاق تاریخی بعد از انقلاب دانست که به همت مدیر میراث جهانی کاخ گلستان اتفاق افتاده است و درباره این نمایشگاه، اظهار کرد: حدود ۴۶ کتیبه که ماجرای قتل ناصرالدین‌شاه ماجرای، بقیه کتیبه‌ها برای روایت می‌کنند، در موزه و گنجینه آستان نگهداری می‌شوند که این کتیبه‌ها تا شروع انقلاب اسلامی در مقبره او نصب بود. اطراف این کتیبه‌ها هم تزئینات ترکیبی از جمله آینه‌کاری و گچ‌بری و آجرکاری وجود داشت که در شروع انقلاب با تحولاتی مواجه شد و این کتیبه‌ها هم به گنجینه آستان منتقل شدند. در دوره مرحوم آیت‌الله‌ری‌شهری قرار شد موزه‌ای در آستان ایجاد شود و بعد کتیبه‌ها به نمایش گذاشته شود. از میان آن‌ها، حدود ۱۶- ۱۷ قطعه را به نمایش گذاشتیم و با توجه به شرایط موجود، بقیه در گنجینه نگهداری می‌شوند، اما اکنون به جز چهار پنج کتیبه که به مرمت نیاز دارند، بقیه کتیبه‌ها برای نمایش عمومی به کاخ گلستان منتقل شده که برای نخستین‌بار است.

آفرین امامی مدیر میراث جهانی کاخ گلستان - نیز با بیان این‌که قتل ناصرالدین‌شاه برای نخستین‌بار پس از مرگ او با آثاری مرتبط روایت شده است، اظهار کرد: اشیاء فرهنگی تاریخی دقیقاً شبیه کلمات هستند که هر کدام معنی واحد دارند اما وقتی در یک جمله می‌نشینند معنی بهتری پیدا می‌کنند، وقتی جمله‌ها کنار هم قرار می‌گیرند کتابی را تشکیل می‌دهند. اشیاء تاریخی هم این‌گونه است که وقتی در کنارهم قرار می‌گیرند روایتی در دست و قصه‌ای را منتقل می‌کنند که تاثیر آن از تماشای اشیاء به صورت پراکنده بیشتر است. مدیر میراث جهانی کاخ گلستان با اشاره به همکاری تولیت آستان عبدالعظیم حسنی در برپایی نمایشگاه روایت قتل ناصرالدین‌شاه، افزود: آثاری که به نمایش گذاشته شده کاملاً با موضوع قاجار قرابت دارد. در کتیبه‌های مطلا نیز روایت کاملی از لحظه قتل ناصرالدین‌شاه در اشعاری به هم پیوسته نقل می‌شود و امروز

محسن قصابیان در این فصل نقش اصلی (فرمانده) را بازی می‌کند. کاراکتر او یک پاسدار است که بیمارستان را راه می‌اندازد و به کادر درمان کمک می‌کند. نقش او همان نقش فصل اول است اما در این فصل نقش او پررنگ‌تر شده است. کوروش سلیمیانی نقش شامه‌میری را بازی می‌کند؛ نقش منفی سریال و کسی است که در شرایط سخت، دنبال احتکار داروست. شامه‌میری در تلاش است تا به نظام درمان کشور آسیب بزند. در حقیقت جریانِ مقابل جریان کمک‌رسان به کادر درمان هست.

نیلوفر کوخانی هم نقش متین، سوپروایزر بیمارستان را بازی می‌کند. نقش همسر او را نیما شاهرخ‌شاهی بازی می‌کند که کاراکتر او یک پزشک است که همه چیز را رها کرده و درست در نقطه مقابل گروهی از کادر درمان است که فداکاری می‌کنند.

محسن قصابیان، کوروش سلیمانی، مهدی صباّی، نیلوفر کوخانی، آتش تقی‌پور، آوا دارویت، علی غلامی، عبدالرضا نصاری، روزبه اختری، مالک سراج، مرتضی زارع، پونه آشورپور، ریحانه مسگری، سارا ولیانی در این مجموعه نقش آفرینی می‌کنند.

سریال «همه‌گیری» در ۲۰ قسمت تهیه و تولید شده و قرار است از امشب، یکشنبه ۲۵ تیر ماه، ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه سه سیما پخش شود. روزهای پخش این سریال شنبه تا چهارشنبه است.

مرضیه

سریال «مرضیه» به نویسندگی و کارگردانی فلورا سام و تهیه‌کنندگی مجید اوجی محصول ۱۳۹۸ است که در ایام محرم و از سه‌شنبه هرشب ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه نسیم پخش می‌شود.

داستان سریال درباره یک اختلاس و فساد اقتصادی بزرگ است که خانواده مرضیه (با بازی زنده یاد ماه‌چهره خلیلی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را در موقعیت‌هایی قرار

می‌دهد که مجبور به انتخاب و تصمیم‌گیری می‌شود. بازیگرانی از جمله گوهر خیراندیش، داریوش ارجمند، پژمان بازغی و آتیلا پسیانی در این سریال ایفای نقش کرده‌اند.

●

برای اولین‌بار این کتیبه‌ها کنار هم گذاشته شده و روایتی از آن قتل را داریم. همچنین احمد محیط طباطبایی - پژوهشگر تاریخ - در آیین افتتاحیه این نمایشگاه از اهمیت تاریخی و جایگاه مذهبی شهر ری در حرم عبدالعظیم حسنی سخن گفت و افزود: شهر ری از یکصد سال پیش با تغییر مدیریتی مواجه شده و در این دوره مکان‌هایی که شهر تهران نخوابسته از جمله کارخانه سیمان به آنجا منتقل شده است. ما امیدواریم شهر ری از حالت دفعی یک شهر به شهر جذبی تبدیل شود، آن‌چنان که در دوران ناصرالدین شاه سه دلیل جایگاه و اهمیت این شهر نزد مردم، نخستین راه‌آهن از آن نقطه راه‌اندازی شد. قطعا ایجاد موزه در آستان عبدالعظیم در جریان چرخش نگرشی به این شهر باعث می‌شود آن نگاه برگردد.

ناصرالدین‌شاه قاجار در روز پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۲۷۵ شمسی مصادف با ۱۷ ذی‌القعده ۱۳۱۲ قمری برابر با ۲۰ آوریل ۱۸۹۶ میلادی در آستانه پنجاهمین سالگرد سلطنتش به زیارت حرم عبدالعظیم در شهر ری رفته بود که توسط میرزا رضا کرمانی ترور شد. پس از مرگ شاه قاجار، پیکر او را غسل داده، کفن کرده و حدود یک سال در تکیه دولت نگه داشتند تا مقبره‌اش در حرم عبدالعظیم احیا آماده شد.

اتاق مقبره ناصرالدین‌شاه در ضلع غربی حرم، بنا شد؛ جایی که مقبره همسر محبوبش فروغ‌السلطنه (جیران تجریشی) و سپرش قاسم میرزا قرار داشت. پس از خاکسپاری ناصرالدین شاه در همان اتاق، نام آن را مقبره شاه شهید گذاشتند و صحن ورودی حرم نیز صحن نازی ایوان ناصری نام داشت. پس از انقلاب و با اجرای طرح توسعه، این بخش از حرم تغییر کرد، سنگ مزار ناصرالدین شاه به کاخ گلستان منتقل شد و قبر او اکنون در بخش مردانه حرم عبدالعظیم قرار دارد.

نمایشگاه روایت قتل ناصرالدین شاه تا نهم مردادماه در عمارت چادرخانه گلستان برپاست. دسترسی به این میراث جهانی شهر تهران از دو خیابان یازده خرداد و ناصرخسرو امکان‌پذیر است. ورودی کاخ جهانی گلستان که امکان بازدید از تمام مجموعه را مهیا می‌کند، برای هر نفر حدود ۴۶ هزار تومان است که با این بلیت می‌توان نمایشگاه روایت قتل ناصرالدین‌شاه را هم بازدید کرد.

●

مستندی با محوریت یک روحانی پیشرو به نمایش درمی‌آید

داشت و به همین دلیل در زمان حیاتش قدر نندید و تا سال‌ها آثار و مجالسش با محدودیت‌هایی همراه بود.

در این مستند چهره‌های مختلف فرهنگی و هنری همچون محمدمهدی عسگرپور، منوچهر محمدی، نادر طالب‌زاده، علیرضا داودنژاد، خسرو باقری، بیزن بیرنگ، عبدالمجید معادیخواه، منیره صفایی، فروغ احراری، محسن بغدادی و... حضور دارند.
موضوع مستند «پاتوق مستند» تاکنون دو جلسه از فصل جدید برنامه «پاتوق مستند» با نمایش و تحلیل مستندهای «بی‌وتن‌ها» به کارگردانی حسین موسقدری و «روزی که رفت…» ساخته هادی معصوم‌دوست برگزار شده است.

مشرقی می‌خوانیم که در کربلا حضور داشت و پس از واقعه را به روایت زنی بی‌نام و نشان از اسیران دشت کربلا می‌خوانیم که در کتاب لهوف از او با نام جاریه یعنی کنیز یاد می‌شود.»

امیر خداوردی در ارائه داستان کربلا از فرم ویژه‌ای بهره می‌برد که در نوع خود

کمی‌تجربیدار و متون مقدس، خصوصاً نااجیل اربعه را به یاد می‌آورد.
در بخشی از این کتاب آمده است: «و من با مالک بن‌نضر آرحبی بودم که بر حسین وارد شدم. بر او سلام کردیم و نزد وی در خیمه نشستیم. خیر مقدم گفت و سبب پرسید که به کربلا چه می‌کنیم؟ گفتیم: آمده‌ایم تا سلامی تو را گوئیم و عاقبت از خدای برای تو طلبیم و دیدار تازه کنیم، و از اخبار درمات تو را باز گوئیم که ایشان بر جنگ با تو متفق‌اند، رأی تو چیست؟ گفت: خدای مرا پس است و هم او نیک نگاهان من است. پس ما شرم حضور داشتیم، برخاستیم و حسین را دعای خیر گفتیم. گفت: شما را چه از بیرون می‌دارد؟»
انتشارات کتابستان این کتاب را در آستانه ماه محرم روانه بازار نشر کرده است.

فرهنگ و هنر

دریچه

یادی از یک نویسنده پرفروش

اسماعیل فصیح یکی از نویسندگان پرمخاطب دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ بود به طوری که می‌گویند با رمان‌ها و ترجمه‌های خود بسیاری از جوانان را به وادی ادبیات جذب کرد.

به گزارش ایسنا، اسماعیل فصیح-رمان‌نویس و مترجم - دوم اسفندماه سال ۱۳۱۳ در محله درخونگاه تهران (شهید اکبرنژاد فعلی، نزدیک بازار تهران متولد شد و ۱۴ سال پیش، در ۲۵ تیرماه ۱۳۸۸ از دنیا رفت.

بسه گفته خودش، بچه چهاردهمی یا شانزدهمی یک کاسب چهارراه گلوبندک بوده و دوران تحصیلات ابتدایی را که حدوداً تا پایان جنگ جهانی دوم در ایران طول می‌کشید، در دبستان عنصری گذراند و سپس در دبیرستان «رهنا» به تحصیل پرداخت. آن زمان با دوران دکتر محمد مصدق مصادف بود که در ازای دریافت مبلغ ۵۰۰ یا ۱۰۰ تومان، برگه معافی می‌دادند و او هم بدین ترتیب، معافی‌اش را گرفت و با بقیه پولی که از پدرش به او رسیده بود، برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت.

سال ۱۹۶۱ در شهر مزولا به دانشگاه مانтана می‌رود و مدرک ادبیات انگلیسی می‌گیرد و همان‌جاست که ارنست همینگوی -نویسنده معروف آمریکایی- را می‌بیند و با او گپی دوستانه و کوتاه می‌زند. فصیح در کتاب «دروازه به علاوه یک» این ماجرا را تعریف کرده که همینگوی بپرو دعوت دانشگاه مانтана برای سخنرانی به دانشگاه می‌آید و قرار بر این بوده که روز یکشنبه بیست و سوم آوریل، ساعت ده صبح، سخنرانی‌اش را انجام دهد: «آن روز من و آنابل صبح زود به دانشگاه رفیقیم تا جای خوبی در سالن پیدا کنیم. نشان به آن نشانی که همینگوی تا ساعت یازده پدیداش نشد. سسرانجام خبر رسید که وارد محوطه دانشگاه شده. لباس اسپورت با شلوارک شکاری و پیراهن نیم‌تنه ورزشی به تن داشت. او که در آن زمان شصت‌ساله بود، به سالن اجتماعات نیامد. روی صندلی‌ای وسط چمن باغ بزرگ نشست و رئیس دانشگاه استانان هم حرفش نشندد.

همه حاضران، استانان و دانشجویان به‌صورت نیم‌دایره جلوش نشستند. من و آنابل در اولیس ردیف جا گرفتیم. همینگوی همین که منتظر بود همه سر جاهایشان بنشینند، مدام معایش را از این دست به آن دست می‌کرد و من به خیره شده بود. لابد چون مثل بقیه پسرها موبور و چشم‌آبی نبودم، با صدایی ظریف و کمی زتانه پرسید: «شما کجایی هستی؟»

حنماً فکر کرده بود من با آن خوش‌پوشی و پوست سزه اهل آمریکای لاتین هستم. با لهجه آمریکایی گفتم: «آیرن»، که البته دو معنی داشت: یکی «ایران» و یکی «من نودیدم»، با خنده سبزش را بالا گرفت و پرسید: «تمام راه را؟ از آسیا تا آمریکا؟»

گفتم: نه، آقا با ایوبوس و قطار و هواپیما.»

«چه می‌خوانید؟»

«چون ادبیات انگلیسی. من در تهران کتاب می‌پرمد و دریا را خوانده‌ام. در جهان کم‌نظیر است. بهترین رمانی

است که تا کنون نوشته شده.»

«بیطور فکر می‌کنید؟»

«تر ادبی جوانانه‌ای است و کاملاً نمادین. زیرا وقتی مرد در دریای زندگی بزرگ‌ترین ماهی عمرش را گرفت و آن را با قایق به ساحل کشاند، کوسه‌های خونخوار از آن جز اسکلتی باقی نگذاشته بودند.»

با صداهای محوسله یک انگشتش را به طرف من دراز کرد و پس از ناکت کوتاهی فقط گفت «Right» همه دست زدند. آنابل برگشت و با عشق و تحسین به من نگاه کرد. قمری در نسرم می‌چرخید. نمی‌دانستم ارنست همینگوی، که من گفته «Right» یعنی درست است، یا «Write» یعنی نویس.

روزی شگفت‌انگیز و نازنین از آب درآمد. تنها باری بود که او را، که در هشتاد کیلومتری‌ام زندگی می‌کرد، دیدم. او سنسب به دانشگاه میشیگان می‌رود؛ اما به دلایلی مقطع کارشناسی ارشد را نیمه‌کاره رها می‌کند و به تهران می‌آید و بعد از پنج، شش ماه وارد صنعت نفت می‌شود.

در سال ۱۳۴۲ به مؤسسه انتشاراتی فرانکلین می‌رود و همراه با نجف دربان‌دری، از استفاده در شرکت ملی نفت با صادق چوبک آشنا می‌شود. سال ۱۳۴۶ اوین رمانش را در عنوان «شرباب خام» می‌نویسد و پیش‌نویسش را به دربان‌دری می‌دهد و سال ۱۳۴۷ آن را منتشر می‌کند که با استقبال روبه‌رو می‌شود.

فصیح در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ هشت‌ساله ایران و عراق بازننشسته شد و بعد از آن رمان‌های «ثریا در افما»، «درد سیب‌اوش» و «زمستان ۶۲» را منتشر می‌کند. او نویسنده‌ای پرکار اما گوشه‌نشین و گریزان از مصاحبه بوده و درباره این موضوع گفته بود: «این پرهیز از مصاحبه، واقعیتی است. نویسنده کارش را روی کاغذ می‌آورد و می‌دهد ناشر چاپ می‌کند. هر چه هست، همان‌جا در کتاب‌ها و نوشته‌هاست و اگر من بخواهم درباره آثارم صحبت کنم، مثل کار همینگوی می‌شود که مثلاً برای هر صفحه‌ای پاروقی می‌دهد و به خواننده می‌گوید که اشتباه کنید. مقصود من این است. هر چه هست، در کتاب‌ها و نوشته‌های یک نویسنده است و هر خواننده‌ای برداشت خود را دارد.»

رضا جولایی داستان‌نویس درباره اسماعیل فصیح می‌گوید: فصیح نویسنده‌ای سیاسی نبود، چهره‌ای بود دور از محافل ادبی و سیاسی که در انزوای ادبیاته خود می‌نوشت. اما همو خالق سیاسی‌ترین آثار دهه ۶۰ بود.

او که از سیاست بیزار بود، چهره سیاسی اجتماع ما را

با دقیق‌ترین ابزار قصه‌نویسی ترسیم کرد.

رمان‌های «قرار فروهر»، «باده کهن»، «اسیر زمان»، «بناه بر حافظ»، «کشته عشق»، «طشت خون»، «بازگشت به درخونگاه»، «کمدی تراژدی پارس»، «لاله برافروخت»، «نامه‌ای به دنیا»، «در انتظار» و «گردابی آخر»، «بازی‌ها»، «مانند در وضعیت آخر»، «استان داستان»، «رستم‌نامه»، «خودشناسی به روش بونگ»، «تحلیل رفتار متقابل در روان‌درمانی» و «شکسپیر» از مهم‌ترین آن‌ها هستند.